

لباس روحانیت، جایگاه و کارکرد آن

«مصاحبه»

متن ویرایش شده مصاحبه با سید حسین شرف الدین، دانش آموخته حوزه علمیه و عضو هیات علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.

(لازم به ذکر است که گزیده هایی از این مصاحبه در ماهنامه رسائل، شماره ۳، بهمن ۱۳۹۵، ص ۱۳۳-۱۴۲ به چاپ رسیده است.)

۱. در خصوص لباس روحانیت، جایگاه و اهمیت و دلالت های اجتماعی آن توضیح دهید؟

ج) روحانیت نیز همچون برخی دیگر از اقشار (نظامیان، اطباء، قضات در برخی کشورها و روحانیون سایر ادیان) به دلایلی به انتخاب نوعی لباس (غالباً مرکب از سه جزء اصلی قبا، عبا و عمامه و برخی اجزای پیرامونی) متناسب با رسالت فرهنگی اجتماعی خویش ملزم شده است. لباسی که مختص مردان روحانی و مبلغان ذکور است و البته هیات ظاهری رایج آن حتی در میان روحانیون شیعی بلاد مختلف نیز یکسان نیست. این لباس معرف سمت، جایگاه و نقش اجتماعی روحانیت در جهان تشیع است که به مرور زمان هویت نمادین یافته و به نشانه و شعار تبدیل شده است. امروزه شاید حفظ اصل و رعایت مقتضیات آن توسط روحانیت، و حفظ حرمت آن توسط مومنان، مصداق تعظیم شعائر باشد.

این لباس عمدتاً برای شناسایی و تشخیص و دسترسی آسان توده ها (روحانی با تلبس به این لباس، عملاً صلاحیت و مرجعیت خود را برای تامین نیازهای معارفی و الهیاتی مردم اعلام می کند)، اعلان موجودیت نمادین دین در جامعه، هویت یابی جمعیتی که چنین رسالتی را رسماً عهده دار شده اند، کنترل پذیری نسبی جریان تبلیغ دین در جامعه توسط نهادهای مسوول (و برجسته سازی تمایز با کسانی که برغم وجود صلاحیت، مدعی تبلیغ و ترویج دین بوده و هستند)؛ انتخاب شده است. لباس روحانیت علاوه بر جنبه های شعائری و نمادین و القای پیام های قدسی و معنوی، بیشتر یک لباس کار و معرف آمادگی تمام عیار شخص روحانی برای ایفای نقش های محول (ابلاغ، دعوت، ترویج و تبلیغ مستقیم و غیر مستقیم و زبانی و عملی دین و فرهنگ دینی، صیانت از تمامیت دین و فرهنگ دینی و...) است؛ اگر چه در ظاهر دلالت های نمادین این لباس بر دلالت های کارکردی اش غالب است. حسب تجربه های شهودی، تلبس به لباس روحانیت، انگیزه شخص

روحانی به انجام وظایف محوله، رعایت ارزشهای اخلاقی و تامین انتظارات عرفی را افزایش می دهد. همچنین زمینه های اعمال فشار هنجاری از سوی جامعه برای وادار ساختن روحانی به عمل در چارچوب وظایف و انتظارات را افزون می سازد. این لباس، به لحاظ تبار شناسی، نوعی گرده برداری و اقتباس از لباس معمول پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) است. به لحاظ نشانه شناختی، دلالت گویا و متناسبی بر موقعیت روحانی، معنوی و انتساب الوهی فرد ملبس دارد. دارنده این لباس، همواره با محوریت یک تیپ ایده آل معیار و دارای مختصات ارزشی برجسته و غالباً کمیاب، ارزیابی و سنجش می شود و فرد روحانی اگر بخواهد در ترازوی داوری مردمی اعتبار و وجهتی کسب کند، حتما باید خود را متناسب با انتظارات الگویی و شخصیتی آنها، تنظیم و تعریف کند. به زبان ارتباطاتی نیز، جنبه رسانایی (یارسانه ای) این لباس کاملاً در خور توجه است. این الگوی از پوشش حتی اگر صرفاً یک انتخاب هم باشد، انتخابی هوشمندانه، توأم با ظرائف زیباشناختی، ملاحظات فرهنگی و منطبق با مدلولهای نمادین و کارکردی متناسب بوده است. همانگونه که در قبل هم عرض شد استفاده از یونیفرم خاص به تناسب نقش و وظیفه اجتماعی، اختصاصی به روحانیت ندارد. نیازی به ذکر نیست که شکل گیری سازمان روحانیت و الزام به انتخاب نوعی لباس خاص عمدتاً به تبع استقرار اجتماعی دین و ضرورت ساختی کارکردی استنباط، تفسیر، تبلیغ، تعمیق، پیرایه زدایی و صیانت از تعالیم و آموزه های دین و فرهنگ دینی در جامعه مومنان و بسط نفوذ آن به سایر جوامع صورت پذیرفته است.

۲. امروز جامعه چه نگاه و واکنشی نسبت به لباس روحانیت دارد؟ این نگاه چه مقدار منفی است و چه مقدار مثبت است؟

ج) پاسخ دقیق به این سوال مستلزم انجام یک مطالعه میدانی و ارزیابی و سنجش دیدگاه و نگرش اقشار مختلفی است که به نوعی با روحانی تعامل دارند. واکنش های مشاهده شده، دریافت های شخصی و شهودی افراد و اظهار نظرهای موردی و نتایج حاصل از برخی نگرش سنجی های نه چندان روشمند و قابل استناد همگی نشانگر آن است که محبوبیت روحانیت نیز همچون همه اصنافی که درکار ارائه خدمات فرهنگی و اجتماعی فعالیت دارند، نوساناتی را بسته به وضعیت ها و شرایط عمومی کشور، میدانهای حضور روحانیت، نحوه عملکرد، میزان همسویی این عملکرد با انتظارات اجتماعی، موقعیت گفتمانی روحانیت در افکار عمومی، موقعیت و تلاش رقبا و... تجربه می کند. استنباط نگرش منفی شاید به این دلیل که امری خلاف انتظار است،

محسوس تر به نظر می رسد. روحانیت در طول حیات اجتماعی تاریخی خود همواره مورد احترام و تعظیم جامعه مومنان و متشرعان بوده است و از این رو، وجود نگرش منفی نیز با فرض وجود، عمدتاً به دلیل تغییراتی است که تحت تاثیر انقلاب اسلامی و نیز تغییرات زمانه در موقعیت ها، نقش ها، عملکردها و انتظارات جامعه از روحانیت بروز کرده است. انجام یک مطالعه و تحلیل ساختی کارکردی واقع بینانه در جامعه ایران معاصر می تواند تا حد زیاد میزان نگرشهای مثبت و منفی موجود به این قشر را تعیین کرده و چرایی، چگونگی و نیز روند آن را در استمرار زمان، تبیین و تفسیر کند.

۳. عوامل نگاه منفی به لباس روحانیت چیست؟ آیا این نوع نگاه تنها مربوط به جامعه ایران است یا در همه جوامع اسلامی یا حتی غیر اسلامی نیز وجود دارد؟

ج) نگرش منفی به لباس روحانیت که گاه معرف نگرش منفی به جایگاه (و بالطبع امتیازات مادی و غیر مادی ناشی از آن)، نقش، عملکرد اجتماعی، ضعف های اخلاقی، سوء استفاده های موقعیتی روحانیت (اعم از روحانیت به مثابه مجموعه ای از اشخاص حقیقی یا روحانیت به مثابه یک نهاد اجتماعی)، است، از دواعی و انگیزه های مختلفی ناشی می شود. این موضوع هر چند در خصوص روحانیت به دلیل جایگاه ویژه آن در جامعه با حساسیت های بیشتری توأم است اما خاص روحانیت نیست. همه اقشار بسته به موقعیت صنفی، جایگاه ساختاری در سلسله مراتب اجتماعی، اعتبارات و امتیازات (اقتدار، ثروت و پرستیژ)، اهمیت و ضرورت کارکردی، گستره تعامل با سایر بخش های اجتماع، کمیت و کیفیت رقبا و... در معرض انواع داوریهای ارزشی و کارکردی اعم از مثبت و منفی قرار دارند. روحانیت نیز به مثابه یک نهاد از شمول این قاعده مستثنی نیست بلکه به دلایل آشکار، در سیل این توجهات و حساسیت ها و خرده گیریها و انتقادات قرار دارد. این نوع تقابل هاگاه کاملاً غیر منصفانه، عقده گشایانه و انتقام گیرانه است.

از این رو، نگرش منفی به روحانیت از زمینه ها و عوامل مختلف روانی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی، کارکردی و ارتباطاتی متعددی به صورت تک عاملی یا چندگانه و ترکیبی ناشی شده و به بیان دیگر، به علل، دلایل، معادات، توجیهات، تمحلات، مفروضات و منطق انتقادی متفاوت مستند است.

براین اساس، نمی توان همه دیدگاهها را به صرف اشتراک در داشتن موضع منفی، یک سان تلقی کرد. برخی افراد و گروهها اساساً و به دلایلی نه با روحانیت، که با اصل دین و دیانت سرناسازگاری دارند؛ برخی از موضعی سکولار نه با دین که با نقش ها و ماموریت های سیاسی اجتماعی مورد ادعا برای آن مشکل دارند؛

برخی نه با دین و رسالت های اجتماعی آن که بیشتر با روحانیت به عنوان صنفی که برای خود مرجعیت انحصاری در تفسیر و ترویج دین قائل است، و از رهگذر آن و احراز موقعیت های ناشی از حضور اجتماعی دین ارتزاق می کند، مشکل دارند؛ برخی نه با دین، نه با رسالت های اجتماعی آن و نه با روحانیت که بیشتر با احراز برخی موقعیت های سیاسی اجتماعی که عمدتاً بعد از انقلاب اسلامی بدان اشتغال یافته اند، و آنها را نوعی خروج روحانیت از جایگاه اصلی و تاریخیش تفسیر می کنند، مشکل دارند؛ برخی نه با دین، نه با رسالت های اجتماعی آن، نه با روحانیت، و نه حتی موقعیت های سنتی و نوین آن که بیشتر با عملکرد خلاف انتظار و توجیه ناپذیر برخی روحانیون در مناصب مختلف و گاه سوء استفاده های موقعیتی و در مواردی ضعف های اخلاقی که در این مواضع بیشتر امکان خود نمایی دارد، انتقاد دارند و به طور طبیعی آن را در قالب نگرش ها و واکنش های منفی و واگرایی های رفتاری در تعامل با این قشر بروز می دهند.

۴. با وجود نگاه های نسبتاً منفی گفته شده آیا هنوز ضرورت دارد که روحانیت از لباس استفاده کند؟

ج) بله، البته مفروض سوال یعنی وجود نگرش نسبتاً منفی به روحانیت و لباس خاص آن، یک فرض استنباطی است که ممکن است کسانی در پذیرش آن با شما مناقشه کنند؛ ثانیاً وجود میزانی از نگرش منفی و خرده گیری های موقعیتی، ارزشی و عملکردی از یک قشر فعال به دلیل حضور در میدانهای متعدد و متنوع کنش و عهده داری خواسته و ناخواسته طیف وسیعی از نقش ها و وظایف اجتماعی بعضاً پیچیده و دارای اقتضانات مختلف، چندان دور از انتظار به نظر می رسد. روحانیت (به دلیل موقعیت فرانهادی دین در جامعه ایران معاصر و تحت تاثیر ظرفیت ها و ضرورت های ناشی از انقلاب اسلامی) از حیث پهنایی باند حضور در میادین مختلف کنشی و تعدد و تنوع موقعیت های اجتماعی احراز شده و نقش های محول و محقق، در مقایسه با سایر اقشار وضعیتی منحصر بفرد و رشک برانگیز دارد و این خود، در دنیایی که بر تقسیم کار اجتماعی و به اشتراک گذاری موقعیت ها و مناصب اجتماعی تاکید ساختاری دارد، و بر عدالت در تقسیم موقعیت های اجتماعی اصرار می ورزد، امری خلاف قاعده تفسیر می شود. این وضعیت که ناخواسته بر جامعه روحانیت تحمیل شده، آن را در موضعی نقدهای جدی قرار داده است. و از آنجا که نظارت و کنترل بر عملکرد روحانیونی که در موقعیت های مختلف و متنوع اشتغال دارند، چندان آسان نیست، این گستره حضور عملاً تیراژ صدور رفتارهای خلاف انتظار و بعضاً کجروانه را نیز در میان روحانیون فعال در این میدانها افزایش داده است. در هر حال، انتظار این است که زعمای امر با استناد به این نوع نگرشها، با افراد فاقد صلاحیت و دارای عملکردهای

نامناسب و خلاف شان برخورد جدی کنند. ضعف دیگر جامعه روحانیت، این است که متأسفانه نتوانسته انبوه خدمات ارزشمند خود به جامعه اسلامی را برای عموم مردم اطلاع رسانی و تبیین کند و بدین وسیله بخشی از تبلیغات سوء را علیه خود خنثی نماید. جامعه روحانیت چون انجام این حجم از فعالیت های متنوع را به اقتضای انقلاب اسلامی، وظیفه خود می داند، کمتر سعی دارد آنها را در تریبونهای عمومی تبلیغ کند. از سوی دیگر، نقش دوستان ناآگاه و دشمنان در بزرگ نمایی ضعف های عملی و موردی روحانیت و به محاق بردن انبوه خدمات فرهنگی این قشر را نباید از نظر بدور داشت. در پاسخ به شق آخر سوال شما باید عرض کنم که لباس روحانیت دارای ضرورت های کارکردی زیادی است و نمی توان و نباید به صرف وجود برخی انتقادات و نگرش های منفی، در اصل ضرورت و کارآیی نمادی و عملی آن تردید کرد.

۵. آیا لباس روحانیت کارکرد اجتماعی طلبه را محدود می کند یا ارتباطی به تضعیف و توسعه کارکرد اجتماعی طلبه ندارد؟

ج) تلبس به این لباس بی شک محدودیت هایی را برای فرد ایجاد می کند اما این محدودیت ها در عین حال، مصونیتی نیز برای طلاب در مقابل برخی انحرافات فراهم می سازد. فلسفه وجودی سازمان روحانیت و مهم ترین نقش و وظیفه محول آن تبلیغ و ترویج دین و دفاع از تمامیت آن است. لباس رسمی روحانیت نیز با هیات خاص آن با هدف زمینه سازی هر چه بیشتر جهت تحقق این مهم تمهید و تدبیر شده است. این لباس به اقتضای نقش ابزاری اش قاعدتا نمی تواند به صورت ذاتی مانع تحقق این هدف یعنی تبلیغ دین به معنای عام آن محسوب شود. اگر در موضعی به اقتضای شرایط و منطق موقعیت، مخاطب هدف، محدودیت های محیطی و... داشتن لباس رسمی عملاً تحقق این هدف را با مشکل مواجه سازد، فرد ملبس می تواند به تشخیص خود، موقتا از آن فاصله گرفته و ماموریت ذاتی خود را به انجام رساند. داشتن لباس اگر در جهت تبلیغ و پیشبرد اهداف تبلیغی تسهیل کننده نباشد، دست کم نباید مانع باشد. توجه به این نکته نیز لازم است که داشتن لباس اگر چه گاه ارزش کارکردی ندارد اما بی شک، به دلیل داشتن وجهه و ارزش نمادین خود می تواند اثر تبلیغی بر محیط داشته باشد (البته در صورتی که فرد دارنده آن به رفتارهای خلاف انتظار و خلاف اقتضائات آن تظاهر نکند).

۶. نقش لباس روحانیت در کارکردهای اجتماعی سابق و سنتی روحانیت، مانند قضاوت، آموزش، منبر و ... چه بوده است؟

ج) نقش های مختلف روحانیت در طول تاریخ و تحت تاثیر عوامل و مطالبات مختلف درون صنفی و محیطی، دستخوش قبض و بسط شده است. مخرج مشترک همه نقش های روحانیت اعم از اصلی و فرعی و ذاتی و عرضی که در طول تاریخ حیات خود به ایفای آن قیام کرده است، در یک ویژگی خلاصه می شود و آن داشتن کارکرد تبلیغی مستقیم و غیر مستقیم تعالیم و آموزه های دین و تثبیت و تعمیق موقعیت دین و فرهنگ دینی در جامعه بوده است. ضرورت داشتن لباس اختصاصی نیز همانگونه که در قبل اشاره شد، در همین ارتباط موضوعیت یافته است. نقش آموزش چه به صورت آموزشهای تخصصی در درون حوزه ها و چه آموزشهای عمومی در بیرون از حوزه (مثل آموزش قرآن، احکام و...)، پاسخ دهی به سوالات و استفتائات مردم، اداره جلسات وعظ و تذکراهای اخلاقی، مشارکت درانجام و اجرای مناسک دینی، داشتن کرسی قضا برای داوری در میان مراجعان و رفع خصومات و مرافعات مردم، خطابه و سخنرانی در محافل و مناسبات مختلف و فعالیت هایی از این دست، همه و همه به اعتبار شان تبلیغی مستلزم داشتن لباس خاص بوده است. داشتن شان تبلیغی به دلیل اعتبار و قداست معنوی آن و اقتدار خاصی که به روحانیت می بخشیده، همواره مورد طمع فرصت طلبانی بوده است. الزام به داشتن لباس رسمی و دارای مجوز از حوزه های علمی مثل داشتن اجازه های اجتهاد و اجازه های نقل حدیث که در گذشته بزرگان حوزه فراوان بر آن اصرار داشتند، توانسته بود تا حد زیاد از ورود نااهلان به این موقعیت رفیع مانع شود. داشتن لباس به طور طبیعی، فشارهایی را جهت همسویی بیشتر روحانی با انتظارات بر وی تحمیل می کند و از انحرافات محتمل وی تا حد زیاد مانع می شود. تردیدی نیست که فقدان لباس رسمی، زمینه بیشتری برای سوء استفاده از این موقعیت یعنی ورود لجام گسیخته به عرصه تبلیغ دین فراهم می سازد.

۷. با توجه به کارکردهای سنتی روحانیت، آیا هنوز همان کارکردها برای روحانیت و لباس روحانیت وجود دارد؟

ج) موقعیت های روحانیت در دوره پس از انقلاب اسلامی و تحت تاثیر ظرفیت ها و ضرورت های ناشی از آن و نیز موقعیت یابی فرانهادی دین، به لحاظ کمی و کیفی بسط بی سابقه و قابل توجهی یافته است. این بسط موقعیت که ظاهراً هیچ حد و مرز مشخصی هم برای آن متصور نیست، ابتدا به اقتضای ضرورت های ناشی از

انقلاب بوجود آمد و رفته رفته به دلیل استمرار این ضرورت ها و نیازها، نهادینه شد. جامعه روحانیت نیز در طی زمان سعی کرده است آمادگی های لازم برای احراز این موقعیت ها و تامین اقتضائات نقشی آن متناسب با انتظار را فراهم سازد. بسط موقعیت و امکان یابی تسخیر موقعیت های متنوع، امکان حضور در عرصه ها و میدانهای مختلف کنش اجتماعی، ایجاد زمینه برای ایفای نقش های متنوع، امکان یابی بیشتر جهت تعاملات چند سویه با اقشار مختلف، تاثیر گذاری و تاثیر پذیری بیشتر از واقعیت های محیطی، کسب امتیازات و اعتبارات اجتماعی را به طور طبیعی برای قشر مربوط فراهم می سازد و از منظر جامعه شناختی نوعی امتیاز و موهبت تلقی می شود. فقدان یا ادعای فقدان عدالت توزیعی در موقعیت ها بویژه موقعیت های ممتاز اجتماعی همواره موضع چالش گروههای مختلف در صحنه رقابت اجتماعی بوده است. آنچه در خصوص موقعیت ها و نقش های متعدد روحانیت حائز اهمیت است بروز نوعی آشفتگی یا به تعبیر جامعه شناسان تجربه نوعی وضعیت انومیک میان نقش های مورد انتظار با نقش محول به روحانیت است. اینک مرز میان نقش های اصلی و ذاتی و نقش های فرعی و تبعی روحانیت تا حدی مخدوش شده است. انتظار این است که مراکز مسئول، جایگاه و نقش ابزاری لباس را با توجه تنوع موقعیت ها و نقش های موجود روحانیت مورد بازبینی و بازخوانی قرار دهند. بدون شک، داشتن لباس روحانیت برای ایفای برخی از این نقش ها موضوعیت انکار ناپذیر دارد و حتما کنش گران آن باید به دلایل خاص بر ویژگی تعمیم اصرار ورزند اما ضرورت آن برای ایفای برخی دیگر از آنها جای گفت و گو دارد. برخی حتی مدعی مانعیت لباس رسمی برای برخی موقعیت ها هستند. داوری منصفانه در این خصوص مستلزم داشتن اطلاعات دقیق و ارائه تحلیل های چند متغیره است.

۸. نقشها و کارکردهای اجتماعی جدید روحانیت مانند کارمندی، مدیریت، کار و تبلیغ در شبکه های اجتماعی و فضای مجازی و ... چه نسبتی با لباس روحانیت دارد؟ در حقیقت، لباس کارکرد او را افزایش می دهد یا کاهش؟

ج) عرض کردم که قضاوت کلی و یکپارچه در این خصوص به دلیل تفاوت موقعیت ها غیر ممکن است. منطق خاص هر موقعیت، مرجع اتخاذ تصمیم مناسب در آن است. افراد یا کنش گران اصلی آن موقعیت ها، خود مناسب ترین افراد برای تشخیص این ضرورت اند. زعمای حوزه معمولا از ترس اینکه مبادا خلع شدن اختیاری از لباس مقدس روحانیت به رویه معمول و غالب طلاب تبدیل شود و افراد به هر بهانه ای خود را در این خصوص محق بدانند، بر تلبس حداکثری (به لحاظ زمانی و مکانی و اقتضائات شغلی) تاکید دارند؛ در

مقابل، عده ای از کنش گران موقعیت های مختلف، اصل این ضرورت را در برخی عرصه ها مورد مناقشه قرار داده و داشتن لباس را نه تنها تسهیل کننده و تقویت کننده فعالیت خود نمی دانند که در مواردی آن را مانع انجام درست وظایف می شمارند. آنچه مسلم است اینکه حرمت این لباس نباید در هیچ موقعیتی شکسته شود. در هر حال، باب گفت و گو در این خصوص، همچنان مفتوح است و اعلان نظر قطعی تنها به صورت ترسیم ماتریسی از شروط و قیود مختلف ذی دخل در حوزه های متعدد حضور و نقش آفرینی طلاب ممکن است.

۹. یک روحانی که تصمیم می گیرد وارد عرصه ادبیات و نویسندگی شود یا حتی آن روحانی که تصمیم می گیرد صرفاً در حوزه دین، کار علمی و پژوهشی انجام دهد، چه نیازی به پوشیدن لباس روحانیت دارد؟

ج) روحانیونی که فعالیت پشت صحنه دارند و در معرض دید و مراجعه عموم نیستند یا نوع فعالیتشان با چند واسطه، جنبه تبلیغی می یابد، شاید به اقتضای وظیفه نیازی به داشتن لباس رسمی نداشته باشند و موقعیت کاری آنها نسبت به لباس لا اقتضاء یا لابلشرط است. در این گونه موارد، اگر اصراری هم بر داشتن لباس رسمی می شود احتمالاً بیشتر از این باب است که داشتن لباس اولاً فرد ملبس را همواره در معرض نوعی خودآگاهی و هوشیاری صنفی و مراقبت اخلاقی قرار می دهد؛ ثانیاً، تعامل دیگران با او به مثابه یک روحانی صورت می گیرد و ثالثاً، نفس داشتن این لباس بالقوه می تواند مبلغ عملی و نمادین دین و حضور اجتماعی آن باشد.

۱۰. در صورتی که یک روحانی در نقشی متفاوت، فعالیت اجتماعی خود را دنبال کند، به طور مثال به عنوان کارگردان سینما، عکاس، نقاش یا در سایر رشته های هنری به یاری دین بشتابد، لباس روحانیت، بر کارایی او می افزاید یا خیر؟

ج) از پاسخ سوال قبل، اجمالاً پاسخ آن روشن شد. هر نوع فعالیت فرهنگی و اجتماعی که شخص روحانی به دلیل انتساب ظاهری به حوزه و روحانیت عهده دار می شود اگر به اقتضای شان و منزلت روحانی خود و در راستای تبلیغ و ترویج دین بدان اشتغال یافته و بالطبع دانش، تجربه، تربیت، ویژگی های شخصیتی و شئونات طلبگی او در جهت یابی و کیفیت آن فعالیت موثر است، قطعاً داشتن لباس می تواند این تاثیر گذاری را تشدید و تقویت کند. مگر در جایی که خود فرد به تشخیص صائب خویش تلبس را به دلیل اقتضائات آن محیط و شبکه همکاران و مرتبطان مانع انجام بهینه فعالیت مربوط تشخیص دهد یا بالاتر از آن، احساس وهن کند.

۱۱. برخی روحانیون وارد مشاغل کاملاً متفاوتی چون تجارت، سیاست، یا حتی پزشکی شده‌اند. لباس روحانیت بر تن این افراد چه حکمی دارد؟ باید بپوشند؟ یا نباید بپوشند؟ چرا؟

ج) فعالیت هایی که اصالتاً تبلیغ دین محسوب نمی شوند، ضرورتی به این تلبس نیست. اما در صورتی که فرد ملبس از تحصیلات لازم و مراتب اخلاقی در خورد انتظار برخوردار بوده و شئون این لباس را رعایت کند و پوشیدن آن نیز در آن محیط و به هنگام ایفای نقش مربوط عرفاً و هن تلقی نشود، ایرادی ندارد. در میان روحانیون مسیحی برای نفوذ بیشتر در جامعه غالباً فراتر از وظیفه طلبیگی از موقعیت های اجتماعی مثل پزشک، استادی دانشگاه برخوردارند و این خود زمینه نفوذ و تاثیر بیشتر در جامعه را برای ایشان فراهم ساخته است.

۱۲. با تغییر سبک زندگی مردم، طبیعتاً کارکردهای جدیدی نیز برای روحانیت تعریف می شود. آیا لباس روحانیت در کارکردهای جدید روحانیت نیز کاربردی دارد؟

ج) بله قبلاً عرض شد که نقش ها و وظایف روحانیت در طول تاریخ بویژه پس از انقلاب اسلامی بسط کمی و کیفی در خور توجهی یافته است. اما تعدد کارکردهای تا مادامی که همچنان در راستای تبلیغ و ترویج دین تفسیر شود، قاعدتاً داشتن لباس تمهیدی در ایفای درست آنها خواهد داشت مگر جایی که واقعا بود و نبود لباس به لحاظ نقش آفرینی حرفه ای یکسان باشد.

۱۳. روحانی با لباس مقبولیت بیشتری دارد یا روحانی بدون لباس؟

ج) بسته به اینکه روحانی در چه جمعی و در عرصه چه فعالیتی حضور داشته باشد. برخی افراد به دلیل شناخت پیشین و موجه بودن نیازی به این لباس ندارند یعنی فقدان لباس اخلاقی ذدر وظایف آنها نمی کند. قبلاً هم عرض شد که ارزش لباس صرفاً کارکردی نیست ، جنبه نمادین لباس و دلالت های معناشناختی آن سر جای خود باقی است

۱۴. با پوشیدن لباس روحانیت، چه توقعاتی در مردم ایجاد می شود؟ آیا همه طلاب و روحانیون باید با پوشیدن این لباس زیر بار این توقعات بروند؟

ج) برخی از توقعات مردم به جا و معقول و اتفاق ناشی از القائات خود روحانیت است. فرد ملبس به زبان بی زبانی خود را نماینده اسلام و امام زمان معرفی کند و در معرض مراجعات مردم. عملاً مرجعیت علمی و اخلاقی را پذیرفته یا دست کم زمینه چنین استنباطی را فراهم ساخته است.

۱۵. آیا یک روحانی یا یک طلبه در شرایط غیر کاری (کارهای مرتبط با شأن طلبگی اش) نیز باید لباس روحانیت را به تن کند؟ پوشیدن لباس روحانیت در شرایطی که کارکردی برای آن متصور نیست چه فایده‌ای دارد؟

ج) در مواردی شاید لباس به اعتبار وجه نمادین و نشانه شناختی آن اهمیت داشته باشد.

۱۶. در شرایط غیر کاری (مانند تفریح، مسافرت، خرید و ...) که روحانی مشغول انجام کار روحانیتش نیست؛ چه کارکردی برای لباس روحانیت متصور است؟ این کارکردهای احتمالاً جزئی را نمی‌توان از راه دیگری بدست آورد؟

ج) اگر داشتن لباس در چنین موقعیت‌هایی مانع نتیجه‌گیری مورد انتظار از این نوع فعالیت‌ها باشد، یا عرفاً این حضور - درست یا غلط - خلاف شان روحانی تلقی شود یا روحانی خود را به دلیل داشتن لباس، در معرض تعاملات منفی دیگران احساس کند، قاعدتاً داشتن لباس ضرورت و حتی رجحان نخواهد داشت. برخی نیز بر خلاف تلقی شما، معتقدند حضور روحانی با لباس در چنین محیط‌هایی، عملاً می‌تواند از بروز برخی منکرات جلوگیری کند. احتمالاً برخی مردم به پاس احترام روحانی از ارتکاب برخی امور بازمی‌ایستند یا روحانی می‌تواند با رفتارهای مناسب خود الگوی رفتاری مناسب در عرصه‌هایی همچون گشت و گزار در طبیعت و تفریح را عملاً به دیگران تفهیم کند.

۱۷. آیا نمی‌توان کارکردهای جدید روحانیت را بدون لباس روحانیت تحصیل کرد؟ و آیا بدون لباس این کارایی بیشتر نمی‌شود؟

ج) توجه به این نکته لازم است که برخی از طلاب به عشق تحصیل معارف دینی و کسب موقعیت علمی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود حوزه جهت نیل به مراتب علمی و مکارم اخلاقی به حوزه آماده‌اند و شرایط ذهنی، روحی و تربیتی مناسبی جهت ایفای نقش‌های معمول طلبگی در خود نمی‌بینند. این عده نیز به عنوان

پیاده نظام های حوزه می توانند حتی برغم لباس رسمی در عرصه های مختلف تبلیغ دین به معنای عام حضور یافته و نقش آفرینی کنند.

۱۸. آیا در شرایط اجتماعی امروز، مردم روحانی را بدون لباس روحانیت می پذیرند؟

ج) فکر نمی کنم. گاه حتی در اصالت ادعای اینکه فرد به روحانیت وابسته است، تردید روا می دارند و او را به دلیل ناهمسویی با جمع ثو سنت شکنی قلبا نکوهش می کنند. برخی اقشار نیز ممکن است

۱۹. آیا کارکردهای لباس روحانیت را می توان به نماد دیگری از روحانیت واگذار کرد؟ به طور مثال یک نماد کوچک در پوشش مثل شال، انگشتر خاص یا حتی سنجاق سینه و کارت می مخصوص و ...؟ شاید مناسب باشد نهاد حوزه به جای لباس نمادهای معرف دیگری را تجویز کند.

ج) قبلا هم عرض شد که چون صدور چنین مجوزاتی به مرور می تواند زمینه لجام گسیختگی الگویی و بی اعتنائی به لباس رسمی و نهادی شده روحانیت را فراهم سازد، معمولا با این نوع پیشنهادات مخالفت می شود. البته کسان زیادی بدون داشتن این لباس هم اینک در کانونهای قرآن، آموزش و پرورش، دانشگاهها، سپاه و بسیج، مساجد و... به فعالیت های تبلیغی مشغولند.

۲۰. آیا با تغییر فرم لباس روحانیت، در کارکردهای آن نیز تغییری ایجاد می شود؟

ج) قبلا عرض شد که جنبه نمادی این لباس بیبر جنبه کارکردی آن غالب است. لباس ابزاری برای ایفای نقش ها و تامین کارکردی دارد قاعدتا باید تناسبات معمول در آن رعایت شود. بالاتر اینکه این لباس باید دلالت های معناسناختی و جنبه های قدسی مورد نظر را نیز افهام و القا کند.

۲۱. اگر لباس روحانیت شرایط متفاوتی داشته باشد و به طور مثال کمی راحت پوش تر یا امروزی تر از لباس فعلی باشد، کارایی یک روحانی را افزایش نمی دهد؟

ج) طراحی الگوهای جدید لباس نیاز به مطالبه جمعی یا اکثری، گذر زمان، پذیرش الگوی جدید دارد. لباس روحانیت یک تاریخ کهن دارد، ارزش نمادین و نشانه ای دارد، مرزهای هویتی روحانیت را تعیین تغییر آن براحتی ممکن نیست. البته خود این لباس هم ظرفیت هایی برای تنوع بخشی دارد.

۲۲. لباس روحانیت زمانی نماد مفاهیم و صفاتی چون علم، ادب، تقوی و در نتیجه عامل اعتماد بود. آیا هنوز لباس روحانیت اعتماد آفرین است؟ این اعتماد در کدام اقشار اجتماعی هنوز باقی مانده است؟ چرا؟ (ج) بزعم من هنوز هم این تلقی به صورت برجسته بویژه در اقشاری که با روحانیت هم‌دلی دارند، وجود دارد.

۲۳. چگونه می‌توان مقبولیت لباس روحانیت یا بهتر بگوییم اعتماد به روحانیت ملبس را در جامعه زنده کنیم؟ (ج) این اعتماد تا حد زیاد به عنوان یکی از مولفه‌های مهم سرمایه اجتماعی خوشبختانه وجود دارد. روحانیت به دلیل حساسیت‌های ناشی از موقعیت‌های امروزی خود باید دائماً موقعیت خود را ارزیابی و آسیب‌شناسی کند.